

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی زرقانی

وحید عیدگاه طریقه‌ای*

چکیده

تصحیح و شرح حدیقه‌الحقیقه دشواری‌های بسیاری را در بر دارد. هم باید بر ویژگی‌های محتوایی متن مسلط بود و هم بر ویژگی‌های زبانی و لفظی آن. در ویراست تازه این متن مهم آشفته‌گی‌ها و کاستی‌های فراوانی به چشم می‌خورد که با توجه به خود متن و قواعد کهن شعر فارسی در مقاله پیش رو به اصلاح برخی از آن‌ها پرداخته‌ام. در بسیاری از بیت‌ها وزن دچار اختلال شده‌است. حرکت‌گذاری برخی از بیت‌ها نادرست است. بسیاری از بیت‌ها بد خوانده شده‌است و این بدخوانی در شرح نیز بازتاب یافته‌است. قافیه‌های برخی از بیت‌ها اشکال دارد. دو مصحح این ویراست که از تشخیص صورت‌های درست بازمانده‌اند برخی از این اشکالات قافیه‌ای را مربوط به سبک شاعری سنائی دانسته‌اند اما اغلب چنین نیست و با توجه به اصول شعر کهن فارسی و آگاهی‌های مربوط به تاریخ زبان می‌توان صورت درست برخی از بیت‌ها را یافت و به تحلیل درستی از چگونگی قافیه‌پردازی در آنها دست یافت. در این مقاله بر جنبه سخنوری سنائی تأکید ویژه‌ای شده‌است و با سند و استدلال آشکار گردیده‌است که اغلب اشکالات قافیه و وزن حدیقه از اشتباه کاتبان و مصححان سرچشمه گرفته‌است و نباید آن‌ها را نموده‌هایی از سبک شعر سنائی به شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: حدیقه‌الحقیقه، سنائی غزنوی، تصحیح متن، تلفظ‌های کهن، شعر کهن فارسی، درست‌خوانی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، vahid.idgah@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۸

۱. مقدمه

در سالی که گذشت ویراست تازه‌ای از حدیقه سنائی وارد بازار شد. در فراهم آوردن این ویراست اشکال روش‌شناختی بزرگی رخ داده‌است و آن این که دستنویسی درجه‌دو اساس کار قرار گرفته و از چند دستنویس کهن‌تر و مهم‌تر بهره‌جسته نشده‌است. شرح این اشکال روش‌شناختی و پیامدهای متن‌شناختی آن در تصحیح حدیقه خود موضوع مستقلی است که در جایی دیگر باید بدان پرداخت. آنچه در این جستار بدان خواهیم پرداخت، ریخت‌ظاهری بیت‌ها و جمله‌ها و عبارت‌هایی است که در مقدمه و متن و تعلیقات این کتاب آمده‌است. روش تصحیح هر چه باشد، در شکل ظاهری جمله‌ها و عبارت‌ها و بیت‌ها تغییری ایجاد نمی‌کند. درستی یا نادرستی بیت‌های نقل‌شده در مقدمه و تعلیقات، چگونگی درج آیه‌های قرآنی و مثل‌ها و حکمت‌های عربی و طرز خوانش و حرکت‌گذاری بیت‌های متن، همه و همه مواردی هستند که فارغ از روش کار می‌توان آنها را جداگانه بررسی کرد. ممکن است متنی بر اساس دستنویس‌های متأخر یا درجه‌دو تصحیح شود؛ در این صورت درباره‌ی اصالت بسیاری از بیت‌های آن می‌توان تردید کرد. اما این الزاماً بدان معنی نیست که متن فراهم‌آمده، متنی پاکیزه و خوش‌خوان و کم‌غلط نباشد. با دستنویس‌های متأخر نیز می‌توان متنی را فراهم کرد که دست کم اشکالات فاحش قافیه و وزن در آن دیده نشود. وانگهی پیراستگی و درستی مطالب مقدمه و تعلیقات دخلی به کهنگی یا تازگی دستنویس‌ها ندارد. بررسی چند و چون مقوله‌های پیش‌گفته بخش‌های سه‌گانه جستار پیش رو را تشکیل می‌دهد.

۲. خوانش و حرکت‌گذاری جمله‌ها و عبارت‌ها

در این کتاب غلط‌خوانی‌های فراوانی دیده می‌شود و این منحصر به متن نیست و در مقدمه و تعلیقات نیز محسوس است. خوانش‌ها و حرکت‌گذاری‌های نادرست را در دو بخش فارسی و عربی برمی‌رسیم:

۱.۲ جمله‌ها و عبارت‌های فارسی

بدخوانی‌های گوناگون در سراسر متن باعث شده‌است که مصححان از دست یافتن به صورت درست پاره‌ای از بیت‌ها باز بمانند و نیز بر دایره‌ی گسترده‌ی ترکیب‌های شعر سنائی،

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاققی و ... ۳

برخی از ترکیب‌های تازه اما ساختگی را بیفزایند. همچنین در این بدخوانی‌ها برخی از واژه‌های اصیل متن از دست رفته‌است. بر هم خوردن جمله‌بندی و نادرست شدن معنای شماری از بیت‌ها دیگر پی‌آمد این بدخوانی‌هاست. آشکار است که خوانش نادرست، به برداشت و شرح نادرست نیز می‌انجامد؛ چیزی که در تعلیقات کتاب بارها به چشم می‌خورد. اینک نمونه‌های آنچه گفته آمد:

واژه کُپی (بوزینه) هم در مقدمه و هم در متن به همین صورت آمده‌است؛ حال آن که باید به فتح کاف خوانده شود:

صورت از کَاف بشر است کُپی سگدم است و گربه‌سراست
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۵۱، ۵۳۵).

در جمله زیر واژه مشخص شده به معنای «قلب» است و باید فتحه می‌گرفت نه کسره:
قوت جان و قوت چنان از چنان خوان جویند (همان: ۱/ ۹۳).
در بیت زیر ترکیب دین آشنا ساخته سنائی نیست و از بدخوانی سخن او پدید آمده‌است:

رخش دین‌آشنای داغ شود مرغوار از ققص به باغ شود
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۱۶).

صورت درست چنین است:

رخش دین، آشنای داغ شود مرغوار از ققص به باغ شود
ترکیب آینه‌روی نیز در بیت زیر ساختگی است:
ز آینه روی، به بود خورشید پشت او خواه سیاه و خواه سپید
(همان: ۱/ ۱۱۳).

در تعلیقات آینه‌روی را اضافه مقلوب دانسته‌اند و گفته‌اند از روی آینه بهتر می‌توان خورشید را دید (همان، ۲/ ۹۲۳-۹۲۴). حال آن که چنین ترکیبی در بیت مورد نظر به کار نرفته‌است. سخن سنائی این است که از آینه روی برای ما مهم است نه پشت؛ همان گونه که خورشید، فرقی ندارد که پشتش سیاه باشد یا سپید؛ زیرا رویش مهم است.

در این بیت با گذاشتن کسره معنای شعر آسیب دیده‌است و نهاد جمله تبدیل به مضاف‌الیه شده‌است:

گر نبودى از او عنایت پاک کى شدى تاج‌دارِ مشتی خاک
(همان: ۱/ ۱۱۸)

صورت درست چنین است:

گر نبودى از او عنایت پاک کى شدى تاج‌دار، مشتی خاک؟
نخستین واژه بیت زیر به فتح «ت» خوانده می‌شود در معنای «لنگه بار»، و نباید با «تنگ»
امروزی اشتباه شود:

تُنْگ‌های شکر مریز به باغ که همه باغ طوطیند چو زاغ
(همان: ۱/ ۱۸۸).

همچنین است بیت زیر که در آن به اشتباه تنگ به شکر اضافه شده‌است و جمله مفعول خود را از دست داده‌است:

طوطیانی چو زاع پیش تو در تو فروریخته به تنگِ شکر
(همان: ۱/ ۱۸۸).

حرکت‌گذاری بیت زیر به ظاهر اشکالی ندارد:

عزّت از حضرت نبی و نبی‌ست در لحافِ خلاف خفتن چیست
(همان: ۱/ ۲۱۴).

اما حرکت ضمّه برای قافیه مصراع نخست نادرست است. این را با توجه به تلفظ قافیه مصراع دوم می‌توان دریافت. چیست یای معروف دارد (سپهر، ۱۳۵۱: ۱۳۹)؛ بنابراین، سنائی نمی‌توانسته‌است آن را با بُبی (+ ست) که یای مجهول داشته‌است (همان: ۷۴-۷۵) قافیه کند.

کسره صدق در بیت زیر باید برداشته شود:

صدق به، صدقِ مخرقه یله کن ساز کشتی به بحر در خله کن
(همان: ۱/ ۲۱۷).

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاقتی و ... ۵

بدعتی که جلال خالقی مطلق در حرکت‌گذاری شاهنامه پایه گذاشت یا رواج بخشید در برخی از حرکت‌گذاری‌های این متن نیز بی‌تأثیر نبوده‌است. یکی از نمونه‌های این تأثیرپذیری، وُرا است، که در هیچ دستنویس کهنی به نمونه‌ای از آن بر نمی‌خوریم. کهن‌ترین سندها خوانش وُرا را تأیید می‌کنند (عیدگاه، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۴). اینک چند نمونه از این حرکت‌گذاری نادرست:

تییغ و قرآن وُرا ز حق معجز نشود دین او خلیق هرگز
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/۲۲۹)،

او چو موسی علی وُرا هارون هر دو یک رکن از درون و برون
(همان جا)،

بوده پاکیزه باطن و ظاهر خاک عالم وُرا شده طاهر
(همان: ۱/۲۳۸).

در بیت زیر حرکت‌گذاری نادرست، ردیف بیت را تغییر داده‌است:

مصطفی کی بدو سپردی مُلک یاز حیدر چگونه بردی مُلک
(همان: ۱/۲۵۸).

در بیت زیر حرکت‌گذاری باعث شده‌است که قافیه نادرست شود:

یک سخن زین و عالمی دانش همچو قرآن پارسی داننش
(همان: ۱/۶۸۸).

از مصححان متن کهنی چون حدیقه انتظار می‌رود که قافیه شدن دانش با داننش را در شعر سنائی و هیچ شاعر دیگری محتمل و درست ندانند. حرکت درست برای قافیه مصراع دوم کسره است نه فتحه؛ می‌دانیم که در متن‌های ادبی گذشته تلفظ ضمیر شین به صورت محاوره‌امروزی تداول داشته‌است و با واژه‌های مصدری قافیه می‌شده‌است (قزوینی، ۱۳۸۸: ۱۷۹/۵).

در بیت زیر یک ترکیب فارسی به صورت جمله‌ای عربی خوانده شده‌است:

فرض الله چون به جای آری عرش را سر به زیر پای آری
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/۲۱۸).

اینک صورت درست:

فرضِ الله چون به جای آری عرش را سر به زیر پای آری
در بیت زیر، چنان که از تعلیقات دریافته می‌شود، واژه قافیۀ مصرع یکم را بُشری
خوانده‌اند و «بشارت» معنی کرده‌اند:

جز ازو کس نبوده در بشری در طلب گریه‌خند خنده‌گری
(همان: ۱/ ۲۳۶، ۲/ ۱۰۳۹).

حال آن که بُشری (ممال بُشری)، با گری قافیه نمی‌شود؛ زیرا اولی با یای مجهول /ē/ و
دومی با یای معروف /ī/ خوانده می‌شده‌است. صورت درست بُشری است به معنای «بشر
بودن» یا «بشریت»، که مانند خود واژه بشریت گاه در کاربرد گسترده‌تر به معنای «همۀ
انسان‌ها» در شعر خود سنائی به کار رفته‌است و با واژه‌های دارای یای معروف قافیه شده.
نخستین شاهد زیر از حدیقه و دومی از کلیات سنائی است:

به امان و به خُلق حور و پری در تباشیر بشیر او بشوری
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۳۸۸)،

شیفته کرد مرا هندوکی همچو پری آنچنان کز دل و از عقل شدم جمله بری...
جیان زان همه از شرم نهانند که هیش نه ز خود چون تو بدیدند نه اندر بشری
(سنائی، ۱۳۶۲: ۶۴۴).

در این بیت صفتِ بد را به صورت فعل خوانده‌اند:

کار بُد هر که را که یار بد است زآن بدی یار سستی خرد است
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۶۰۸).

۲.۲ جمله‌ها و عبارات های عربی

بسیاری از جمله‌های عربی در این کتاب به صورت نادرست آمده‌است و دچار اشکالات
نحوی و اعراب‌گذاری و معنایی شده‌است. شمار نه چندان اندکی از این اشتباهات در نقل
آیه‌های قرآن رخ داده‌است و به تحریف‌های عجیب و بی‌سابقه انجامیده‌است. اینک
نمونه‌هایی از اشکالات عربی متن را یاد می‌کنیم:

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاققی و ... ۷

در جمله زیر واژه اشیاء نایب فاعل است و باید نشانه رفع بگیرد اما فتحه گرفته است:
تُعَرَفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا (سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۴۴).

چندین جا دو جمله دعایی «رحمة الله عليه» و «رَحِمَهُ اللَّهُ» با هم اشتباه شده‌اند و این باعث پدید آمدن صورت‌های آمیخته زیر شده است:

رحمه الله عليه (همان: ۱/ ۶۴)، رَحِمَهُ اللَّهُ عليه (همان: ۱/ ۶۹۰)، رَحِمَهُ اللَّهُ (همان: ۱/ ۳۰۵).
جمله دعایی زیر نیز نادرست است و افزون بر بدخوانی دچار گشتگی (تصحیف) نیز شده است:

رحمه الله عليه وَإِنَابَةُ الْجَنَّةِ (همان: ۱/ ۹۶).

صورت دست چنین است:

رحمة الله عليه وَإِنَابَةُ الْجَنَّةِ.

در مصراع زیر نخستین فعل می‌بایست مانند فعل دوم با نشانه رفع می‌آمد اما فتحه گرفته است:

وَلَا تَجُودَ يَدٌ إِلَّا بِمَا تَجُدُ (همان: ۱/ ۹۴).

در آیه زیر مفعول جمله نشانه رفع گرفته است:

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (همان: ۱/ ۹۶).

در جمله زیر اعراب صفت (ممثلتة) متفاوت است با اعراب موصوف (صورة):
مَا الْإِنْسَانُ لَوْلَا اللِّسَانُ إِلَّا صَوْرَةٌ مُّمَثِّلَةٌ (همان: ۱/ ۹۶).

در جمله زیر فرید و وحید می‌بایست نشان نصب می‌گرفتند اما نشان رفع گرفته‌اند:
كَانَ فَرِيدٌ دَهْرَهُ وَوَحِيدٌ عَصْرَهُ (همان: ۱/ ۱۵۷).

در عبارت زیر واژه مجرور بر خلاف اصول بدیهی نحو عربی، ضمّه گرفته است:
فِي الصَّفَةِ الْمَذْمُومَةِ (همان: ۱/ ۱۶۷).

در عبارت زیر تابع (سلوک) در معرفگی، از متبوع خود (التفرید) پیروی نکرده است:
فِي التَّفْرِيدِ وَ سَلُوكِ (همان: ۱/ ۱۷۰).

در آیه زیر مفعول به صورتی فعل مانند آمده است، یعنی صَوْرَكُم به جای صُورَكُم:
وَ صُورَكُم فَاحْسَنُ صُورَكُم (همان: ۲/ ۹۰۳).

در جمله زیر فعل امر از قیام با فتحه قاف (به جای ضمّه) آمده است:

قَالَ لَهُ أَصُتُّ فَصَمْتُ ثُمَّ قَالَ لَهُ قَمَّ فَقَامَ (همان: ۲/ ۹۰۵).

در جملهٔ زیر با اشکال اعراب، آفرینش به پیامبر نسبت داده شده‌است نه خدا:
لولاک لماخلقت الافلاک (همان: ۲ / ۹۷۱).

در جملهٔ زیر التّیّین بی آن که مضاف باشد بدون نون آمده‌است:
فی رؤیا النیری و الکواکب (همان: ۱ / ۱۵۳).

در جملهٔ زیر ساخت افعال تفضیل به گونهٔ بی سابقه‌ای آمده‌است:
أصدقُ الکلام کلامُ الملک العلام (همان: ۱ / ۱۹۹).

در جملهٔ زیر واژهٔ خاصّه به جای رفع نشان جرّ گرفته‌است:
اهل القرآن اهل الله و خاصّته (همان: ۱ / ۱۹۹).

در جملهٔ زیر از قلم افتادن حرف جرّ «ب» پیش از قرآن، باعث شده‌است که این واژه بدون عامل جر کسره بگیرد:

لیس منّا من لم یتغنّ القرآن (همان: ۱ / ۱۹۹).

در جملهٔ زیر به علّت تشخیص ندادن نوع «لا» واژهٔ خالق و مخلوق فتحه گرفته‌است، حال آن که باید تنوین رفع می‌گرفت:

کلام الله لا خالق و لا مخلوق (همان: ۱ / ۱۹۹).

در جملهٔ زیر خبر که همیشه مرفوع است مجرور شده‌است:
القرآن هو الدّواء (همان: ۲ / ۹۹۱).

در عبارت‌های زیر مضاف بر خلاف قاعده «ال» گرفته‌است:

فی الذکر القرآن (همان: ۱ / ۲۰۲)، فی اقبال الحال المرید (همان: ۱ / ۲۱۱)، ذکر الایام الفتره (همان: ۱ / ۲۱۸)، بعد الکلام الملک العلام (همان: ۱ / ۲۲۱)، فی الموعظة الفریقین (همان: ۱ / ۲۹۸)، فی بیان السبیل السعادة (همان: ۱ / ۶۱۴).

در بیت زیر اعراب واژهٔ اوّل با آخر متفاوت است، حال آن که هر دو در وضعیت نحوی یکسانی قرار دارند:

غرض کن ز حکمت ازل او اول الفکر و آخر العمل او
(همان: ۱ / ۲۲۵).

در حدیث زیر، واژهٔ عدل به کسر عین آمده‌است و افزون بر آن، واو عطف عربی به شکل واو عطف فارسی با حرکت ضمّه همراه شده‌است:

انا مدینة العدل و عمر سقفا (همان: ۱ / ۲۶۰).

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاقتی و ... ۹

در جمله زیر مبتدای مؤخر و عطف بیان آن بر خلاف قاعده مجرور شده است و صورتی فارسی گونه یافته:

سراجُ اهل الجنة عمرِ بنِ الخطابِ (همان: ۱ / ۲۶۰).

صورت درست چنین است:

سراجُ اهل الجنة عمرُ بنُ الخطابِ.

در سه جمله زیر ضمّه به کاررفته به جای فتحه به پیدایش صورت‌های نادرست و بی‌سابقه در زبان عربی انجامیده است:

من احبّ علیاً فقد استمسک بالعروة الوثقی (همان: ۱ / ۲۶۹)، بغير مداهنه (همان: ۱ / ۳۶۰)، فی فضائل اصحابه (همان: ۲ / ۲۵۳).

در اینجا بخشی از آیه ۱۴۳ سوره اعراف را جا انداخته‌اند و به معنای آن آسیب زده‌اند: قال ربّ ارنی انظر الی الجبل... (همان: ۲ / ۹۱۰).

صورت درست چنین است:

قال ربّ ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولكن انظر الی الجبل...

در جمله زیر مفعول نشانه رفع گرفته است:

أخرجی لی کیسُ اخی (همان: ۲ / ۱۳۳۳).

صورت درست چنین است:

أخرجی لی کیسَ اخی.

در جمله‌های زیر نیز انواع اشکالات خوانش و حرکت‌گذاری دیده می‌شود. در هر مورد الف نشان‌دهنده صورت نادرست متن است و ب صورت اصلاح شده:

الف) اعجز منه من ضیع بما ظفر به منهم (همان: ۲ / ۱۳۳۵)؛ ب) اعجز منه من ضیع ...

الف) فانّ الله غنی عنکم (همان: ۲ / ۱۳۴۸)؛ ب) فانّ الله غنی عنکم

الف) اولئک کالانعام بل هم اضلّ (همان: ۲ / ۱۳۵۱)؛ ب) اولئک کالانعام بل هم اضلّ

الف) کمثل الحمار یحمل اسفارا (همان: ۲ / ۱۳۷۱)؛ ب) ... یحمل اسفارا

الف) الاقارب عقارب (همان: ۲ / ۱۳۷۳)؛ ب) الاقارب عقارب

الف) یقال لجهنم... (همان: ۲ / ۹۰۹)؛ ب) یقال...

الف) سبحانک تبت الیک (همان: ۲ / ۹۱۰)؛ ب) سبحانک تبت الیک

۳. اشکالات وزنی

در این ویراست اشکالات وزنی نیز بیش و کم به چشم می‌خورد. برخی ازین اشکالات را در متن می‌بینیم و برخی را در تعلیقات. با خوانش درست و پرهیز از حرکت‌گذاری‌های نالازم می‌شد از بسیاری ازین لغزش‌های وزنی پیش‌گیری کرد. تشدیدگذاری‌های نابجا بخش عمده‌ای از اشکالات وزنی ویراست پیش رو را تشکیل می‌دهند. در همه بیت‌های زیر نشانه نابجای تشدید، وزن را خراب کرده‌است:

خیر و شرّ نیست در جهان سخن لقب خیر و شرّ به تست و به من
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/۱۱۳)،

بند و غلّ، توبه نصوح بود باغ دیدن غذای روح بود
(همان: ۱/۱۴۹)،

با دعا یارب آری بابت حق تا قبولت کند اجابت حق
(همان: ۱/۱۶۱)،

لیک از بیم سر، سرّ پنهان نکنند هر کسی عیان به زبان
(همان: ۱/۱۶۲)،

در حق حق، غضب روا نبود زان که صاحب غضب خدا نبود
(همان: ۱/۱۶۷)،

دست گوهرشناس به داند چون کفّ پای بر صدف راند
(همان: ۱/۱۸۴).

در بیت زیر اعتماد به دستنویس منچستر (اساس) سبب‌ساز به هم ریختن وزن شده‌است:

کار تو جز خدای نگشاید به خدای گرز خلق هیچ آید
(همان: ۱/۱۴۱).

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و ... ۱۱

اشکال وزنی به تلفظ واژه خدای مربوط می‌شود. هجای «سای» در شعر فارسی همواره بر وزن یک هجای بلند و یک هجای کوتاه به کار رفته‌است. تا آنجا که نگارنده دیده‌است، تنها مثال نقض این قاعده آوایی و وزنی، بیت مورد نظر است از ویراست کنونی حدیقه و بیتی از الهی‌نامه که با تصحیح قیاسی بدین صورت آمده‌است:

امام القصّه چون برداشت آواز همی دیوانه غنّبای کرد آغاز
(عطار، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

اما چنان که املاهی کهن‌ترین دستنویس‌های الهی‌نامه (عنان، غنّیان، عتّان بدون نقطه) و قافیۀ رباعی از تاریخ بیهق (مورد استشهاد مصحح الهی‌نامه) نشان می‌دهد، صورت درست واژه مشخص شده در مصراع دوم غنّبان است و اشکال عروضی هم ندارد. در این بیت سنائی نیز صورت درست باید به گونه‌ای باشد که در آن هجای «سای» بر وزن یک بلند و یک کوتاه نباشد. صورت درست عروضی در چاپ حسینی و چاپ مدرّس رضوی (هر یک به گونه‌ای) دیده می‌شود:

کار تو جز خدای نگشاید به خدا گرز خلق هیچ آید
(سنائی، ۱۳۸۲: ۳۰).

کار تو جز خدای نگشاید به خدای ارز خلق هیچ آید
(سنائی، ۱۳۵۹: ۱۰۸).

در بیت زیر تکرار واژه نو وزن را بر هم زده‌است:

کفر و دین، زشت و خوب و کهنه و نونو یرجّع الامر کلاًه زی او
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/۱۸۳).

در بیت زیر تکرار عبارت «چه بد» مصراع دوم را خارج آهنگ کرده‌است:

این دو روز حیات نزد خرد چه خوش و ناخوش و چه نیک و چه بد چه بد
(همان، ۲۱۵/۱).

در مصراع نخست بیت زیر، پیش از «توست» جای خالی یک واژه به چشم می‌خورد:

چشم‌روشن به توست اسحاق چون سماعیل شهره در آفاق
(همان، ۲۴۶/۱).

با توجه به ویراست مدرّس روی، واژه مورد نظر که وزن را به سامان می‌آورد روی است:

چشم‌روشن به روی تست اسحاق چون سماعیل شهره در آفاق
(سنائی، ۱۳۵۹: ۲۰۹).

در بیت زیر به مانند ماجرای «آرد نماند» چهارمقاله، واژه گج بی هیچ توجیهی افزوده شده‌است و وزن و معنا را خراب کرده:

چون نهاد نهال او گج برجست غنچه بگشاد و عقد میوه بیست
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۲۵۴).

صورت درست را از ویراست مدرّس رضوی نقل می‌کنیم:

چون نهاد نهال او برجست غنچه بگشاد و میوه عقد بیست
(سنائی، ۱۳۵۹: ۲۲۷).

وزن مصراع نخست بیت زیر نیز نادرست است:

کای شکمت را ز عالم آباد جز به خاک سیاه سیر مباد
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۲۸۱)

صورت درست، شاید چنین بوده‌است:

کاشکمت آ را ز عالم آباد جز به خاک سیاه سیر مباد
بیت زیر نیز همین اشکال را دارد:
دان که خود حکمت بد اقتضا نکند هر چه حکمت کند خطا نکند
(همان: ۱/ ۴۸۱).

با حذف واژه خود می‌توان صورت درست وزن را به دست آورد، چنان که در ویراست مدرّس رضوی دیده می‌شود (سنائی، ۱۳۵۹: ۳۷۸).

در دو بیت زیر به جای چو نویسیش چون آمده‌است و همین وزن را خراب کرده:

نوعروسی چون سروین بالان گشت روزی ز چشم بد نالان
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۵۹۶).

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و ... ۱۳

دل تیره چون تن به کار در آر تا نگیرد ز توره انکار
(همان: ۱/ ۶۱۲).

در بیت زیر بر عکس به جای چون نویشش چو آمده است:

رخ چو مردم فعال چو نسناس همه محتاج جامه و کرباس
(همان: ۱/ ۶۳۱).

چنان که گفته شد، گاه اشکال‌های وزنی در شاهد‌های آورده شده در تعلیقات نیز دیده می‌شود. از آن جمله است بیت زیر از مسعود سعد سلمان، که در مصراع دومش به جای چو نویشش نادرست چو آمده است و وزن را خراب کرده:

ازبهر خوشه‌ای را بسیار بر خویشتن چون نال نویده
(همان: ۲/ ۹۷۰).

همچنین است بیت زیر که باید در آن صورت بوزد را با وزد جابجا کنیم:

فردا که بر من و تو بوزد باد مهرگان آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست
(همان: ۲/ ۱۳۵۲).

در دنباله مبحث وزن بد نیست که به یکی از نظرات وزنی دو مصحح اشاره شود. و آن نکته‌ای است که درباره شیوه خوانش درست واژه جان گفته‌اند. به نظر دو مصحح در بیت زیر جان را باید جُن خواند تا وزن بیت کاملاً درست باشد:

گرچه زاخوان هوان رسید او را کارد محنت به جان رسید او را
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۶۷).

در این صورت لابد هوان را نیز باید هَوُن خواند تا قافیه خراب نشود. همچنین اخوان را نیز باید اخوُن خواند تا اشکال وزنی مورد نظر مصححان بر طرف شود؛ زیرا اگر قرار بر تغییر تلفظ باشد این تغییر نباید منحصر به واژه جان باشد. اما مصححان در این بیت تنها واژه جان را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان برای این تلفظ مثالی هم از شاهنامه زده‌اند و گفته‌اند که در این بیت باید جان را جُن تلفظ کرد تا خللی در وزن پیش نیاید:

به مردی نباید کسی هم‌رهم اگر جان ستانم و گر جان دهم
(همان: ۱/ ۶۸).

همچنین در جایی دیگر آورده‌اند که شهنشاه را نیز باید شهنشه خواند:

ای شهنشاه ز روی اسـتـحقاق وز پی مملکت^۳ همه آفاق
(همان: ۶۷ / ۱).

حال آن که این یک قاعده فراگیر عروض فارسی است (نون عروضی) و ربطی به فردوسی یا سنائی و شعر کهن ندارد و در شعر سهراب سپهری و فروغ فرخزاد هم با همان بسامد دیده می‌شود. شناخت ویژگی‌های وزنی و آوایی متن‌های کهن لازم است اما به شرطی که بر روی ویژگی‌های درست و اصیل انگشت بگذاریم و در کار تصحیح نیز آن ویژگی‌ها را تشخیص بدهیم و در نظر داشته باشیم. تسلط بر وزن شعر کهن از بایسته‌های بی‌چون و چرای کار تصحیح است، که متأسفانه نشانه‌های آن در ویراست کنونی دیده نمی‌شود.

۴. اشکالات قافیه

در این کتاب از سویی برخی از قافیه‌پردازی‌های درست سنائی نادرست انگاشته شده‌است و از دیگر سو برخی از بیت‌ها با اشکال قافیه آمده‌اند و همین باعث شده‌است که برخی از غلط‌های فاحش قافیه را که از تصحیح نادرست سخن درست سنائی ناشی شده‌اند، جزو ویژگی‌های سبکی سنائی به شمار آورند. جدا از بدخوانی‌ها و لغزش‌های متن‌شناختی، علت بروز برخی از اشکالات قافیه در این ویراست رویکرد نادرست مصححان است به مسأله قافیه. آنها با دیدن چند نمونه اندک از آسان‌گیری و لغزش در قافیه حدیقه حکم کرده‌اند که سنائی از مرزهای رسمی قافیه‌پردازی عبور می‌کرده‌است (همان: ۹۳۱ / ۲). آن دو افزوده‌اند که «به علت همین کثرت موارد نمی‌توان آنها را غلط پنداشت، بلکه باید جزئی از نظام قافیه‌سازی سنائی به شمار آید» (همان جا). حال آن که شمار غلط‌های مسلّم قافیه‌پردازی در شعر سنائی به عدد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد. دو مصحح این ویراست با اشاره‌های پیاپی به چهار پنج بیت مشخص از سنایی در صفحه‌های گوناگون تعلیقات، در عمل به خواننده چنین وانمود کرده‌اند که تعداد این بیت‌ها فراوان است. اما واقعیت این است که با توجه به پاره‌ای از آگاهی‌های مربوط به تاریخ زبان و نیز قافیه‌پردازی‌های همسان در شعر دیگر شاعران هم‌روزگار سنائی، جز یکی دو بیت حدیقه را نمی‌توان غلط مسلّم قافیه دانست.

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و ... ۱۵

از میان بیت‌هایی که قافیه‌پردازیشان به نظر دو مصحح نادرست است بیت زیر را می‌توان یاد کرد:

بر در بی نیازی از که و مه گر تو باشی و گر نباشی چه
(همان: ۱/ ۱۱۵؛ ۲/ ۹۳۰).

اما این قافیه اشکالی ندارد. تاریخ زبان به ما می‌گوید که واژه چه گاه با های ملفوظ ادا می‌شده‌است. از همین روی ناصر خسرو آن را با واژه‌هایی چون متبّه، زره و زه قافیه کرده‌است:

ای خورده خوش و کرده فراوان فره اکنون که رفت عمر چه گوی که چه...
خواهی که تیر دهر نیابد ترا جوشن ز علم جوی و ز طاعت زره...
بیدار شو ز خواب کزین سخت بند هرگز کسی نرسد مگر متبّه...
هرگز نگشت نیک و مهذب نشد فرزند نابکار به احسنت و زه
(ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۴۷۴-۴۷۵).

قافیه‌بندی بیت زیر را نیز از نوع همان عبور از مرزهای قافیه دانسته‌اند، حال آن که سنائی در سرودن آن از هیچ مرزی عبور نکرده‌است و هیچ خلاف قاعده‌ای را مرتکب نشده:

چون از این خطّه یک دو خطوت رفت جان طالب عنان عشق گرفت
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۳۳؛ ۲/ ۹۴۵).

با توجه به آگاهی‌هایی که از تاریخ زبان در دست است تلفظ درست این قافیه رفت و گرفت است. چنین تلفظی باز هم در متن‌های کهن نمونه دارد و اینجا استثنا نیست. به این نمونه‌ها بنگرید:

چو بشنید گشتاسپ غمگین برفت ره ساربانان قیصر گرفت
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۶)،

یکایک سوی کوش ره برگرفت مر او را بسی داد سوگند تفت

(ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۲۴۱؛ نیز ۳۱۷، ۶۱۹)،

بس دل که ز عشق تو سر خویش گرفت بس جان که به بازار تو از دست برفت
جانم همه سوختی و زین کم نکنی تا بر رخت آتش است و در پیش تو نفت
(مجیر بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۹۳).

بیت زیر را نیز نشان عبور سنائی از مرزهای قانون قافیه دانسته‌اند:

مرد بیطار و رایض و کخّال چون دلیند بر تباهی کار
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۵۲).

به نظر دو مصحّح شاعر در این بیت لام و راء را با هم قافیه کرده‌است و از مصادیق همان خروج از مرز قوانین قافیه است (همان: ۲/ ۹۶۰). اما اشکال بیت به تصحیح نادرست برمی‌گردد نه شیوه سخن سنائی. ضبط بیت در ویراست مدرّس رضوی چنین است، با اعنات قافیه (در رعایت صامت «ح»)، که در حدیقه بسیار پربسامد است:

مرد بیطار و رائض و کخّال چون دلیل اند بر تباهی حال
(سنائی، ۱۳۵۹: ۱۲۳).

علت این اشتباه شاید آمیخته شدن مصراع دوم بیت مورد نظر با مصراع دوم بیت زیر باشد:

مرد طبّاخ نعمت بسیار همچو قصّاب در تباهی کار
(سنائی، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۵۱).

در واقع با درآمیختن قافیه‌های دو بیت نقل شده بیت نادرستی به وجود آمده‌است که آن را مصداق گریز از هنجارهای قافیه‌پردازی پنداشته‌اند.

از اندک‌شمار بیت‌هایی که قافیه آن دچار اشکال به نظر می‌رسد بیت زیر است که مصحّحان از نابهنجاری قافیه آن سخن گفته‌اند:

چون نه ای راه را تو چون مردان همین بی‌آموز ره‌روی ز زنان
(همان: ۱/ ۱۲۰؛ ۲/ ۹۳۰).

اما با آگاهی از وجود واژه مفرد مردان در زبان سنائی (بنگرید به دنباله مطلب)، می‌توان حدس زد که مصراع نخست چنین دیگری داشته‌است و در آن چنین، واژه مردان صورت

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و ... ۱۷

جمع مرد نبوده است. اگر هم در پی توجیه برنیاپییم باز در این که چنین بیت‌هایی در حدیقه یازده‌هزاربیتی بسیار نادر است تردیدی نمی‌توانیم کرد.

در بیت زیر واژه کم کاربرد مردان به صورت مفرد به کار رفته است اما تصحیح نادرست آن را دچار دگرگشتگی کرده است و به این صورت درآورده:

تو چه مرد؟ آن قوت و قوتی مرد سنیندنی و سنینوتی
(همان: ۱/ ۶۲۴).

صورت درست را در دو ویراست دیگر می‌توان دید:

تو چه مردانِ قوت و قوتی مرد سنیندنی و سنینوتی
(سنائی، ۱۳۵۹: ۶۷۹؛ همو ۱۳۸۲: ۱۳۲).

گفتنی است که این واژه در فرهنگ‌های لغت از قلم افتاده است و در فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی‌های سنائی نیز دیده نمی‌شود.

در تصحیح و شرح بیت زیر نیز اعتماد به دستنویس کم‌اعتبار منچستر و بی‌توجهی به قواعد املائی دستنویس‌های کهن و نیز کم‌بهرگی از دانش لغت، لغزش آشکاری را سبب شده است:

آن یکی پای در رکاب بماند و آن دگر خسته نهاب بماند
(همان: ۱/ ۱۳۴).

در تعلیقات نهاب را به معنای ثروت‌اندوزی دانسته‌اند و گفته‌اند اشارتی است به قارون
(همان: ۲/ ۹۴۶).

واقعیت این است که در مصراع دوم ما با واژه‌های فارسی روبرویم و آن نهیب است که در دستنویس‌های TCH دیده می‌شود. کاتب دستنویس کم‌اعتبار منچستر (اساس این ویراست) از آنجا که قافیه شدن رکاب و نهیب را نادرست پنداشته است صورت نهیب را به نهاب تحریف کرده است و دو مصحح نیز همین را وارد متن کرده‌اند. باید توجه داشت که واژه‌هایی چون رکاب جدا از تلفظ معمولیشان به صورت ممال نیز تداول بسیاری داشته‌اند؛ اما چنین خوانشی درگرو تغییر املائی آنها نبوده است. به سخن دیگر، در گذشته‌های دور رکاب را رکاب می‌نوشتند اما رکیب می‌خواندند و با واژه‌هایی چون سیب و نهیب و شکیب و فریب که همگی یای مجهول داشته‌اند، قافیه می‌کردند. مصححان و

کاتبانی که ازین نکته آگاهی نداشتند اغلب به دو گونه در متن دست می‌بردند: یا املاهای رکاب و عتاب و مانند آن را به رکیب و عتیب دگرگون می‌ساختند، یا واژه‌های فارسی نهیب و شکیب و مانند آن را به صورت ساختگی نهاب و شکاب درمی‌آوردند. از نمونه‌های گونه نخست، تصحیح خالقی مطلق از شاهنامه را می‌توان نام برد (عیدگاه، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۸) و از نمونه‌های گونه دوم، همین ویراست کنونی حدیقه را.

قافیه بیت زیر را نیز از نمونه‌های قافیه‌پردازی‌های خاص سنائی برشمرده‌اند؛ حال آن که اشکال به تصحیح نادرست متن مربوط می‌شود نه شیوه سخن سنائی:

به تَلَطَّف بدار و بنوازش خیره در انتظار مگ‌گذارش
(همان: ۱/۱۶۵).

در تعلیقات چنین آورده‌اند که «قافیه در چند دستنویس مگ‌دازش است اما ما ضبط اساس را حفظ کرده‌ایم. قافیه این بیت نیز از دیگر موارد خروج از قواعد قافیه است که در شعر سنایی باز هم نمونه دارد» (همان: ۲/۹۶۷).

نمونه‌ای که آورده‌اند بیت زیر است که پیشتر اشکال تصحیحش را نشان دادیم:

مرد بیطار و رایض و کحال چون دلیل اند بر تباهی کار
(همان جا).

اکنون صورت درست بیت مورد نظر را با یادآوری دوباره نادرست بودن تصوّر مصححان از قواعد قافیه‌پردازی سنائی، و بی‌وجهی اصرارشان بر حفظ ضبط‌های غلط دستنویس منچستر، به دست می‌دهیم و یادآور می‌شویم که این صورت درست در ویراست مدرّس رضوی دیده می‌شود:

به تَلَطَّف بدار و بنوازش خیره در انتظار مگ‌دازش
(سنائی، ۱۳۵۹: ۱۴۸).

قافیه دیگری که ممکن است در شکل‌گیری تصوّر نادرست دو مصحح از فراهنجار بودن قافیه‌پردازی‌های سنائی اثر گذاشته باشد، در بیت زیر دیده می‌شود:

ای هوا کرده زیر پای تو را با چنین ژاژها چه کار تو را
(همان: ۱/۲۹۹).

بازخوانی ویراست حدیقه سنائی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و ... ۱۹

باید دانست که هیچ شاعری پای را با کار قافیه نمی‌کند. سنائی هم نکرده است. صورت درست را می‌توان در چاپ حسینی دید:

ای هوا کرده زیر بار تو را با چنین ژاژه‌ها چه کار تو را
(سنائی، ۱۳۸۲: ۹۵).

در چاپ مدرّس رضوی نیز همین نویسنش درست با تفاوتی در مصراع دوم دیده می‌شود:

ای هوا کرده زیر بار ترا با چنین یاوه‌ها چکار ترا
(سنائی، ۱۳۵۹: ۲۸۱).

۵. نتیجه‌گیری

ویراست تازه حدیقه سنائی اشکالات فراوانی دارد. برخی از این اشکالات به علت اساس قرار دادن دستنویس درجه دو منچستر رخ داده است. اما بسیاری از بیت‌ها را می‌شد با بهره‌گیری از همین دستنویس و دیگر دستنویس‌های متأخر به درستی تصحیح کرد. درستی شماری از این بیت‌ها در ویراست مدرّس رضوی که چندان مبتنی بر کهن‌ترین دستنویس‌ها نیست گواه مناسبی است بر آنچه گفته شد. اشکالات ویراست کنونی به متن و نادرستی‌های وزنی و قافیه‌ای و تلفظی بیت‌ها منحصر نمی‌شود. بسیاری از مطالب مقدمه و تعلیقات نیز نیاز به اصلاح و بازنگری دارد. نقل نادرست جمله‌های عربی به ویژه آیه‌های قرآنی از آشکارترین کاستی‌های مقدمه و تعلیقات به شمار می‌رود. عنوان‌های عربی بخش‌های گوناگون متن نیز با غلط‌های صرفی و نحوی فراوانی همراه شده است. بسیاری از این کاستی‌ها و نیز برخی از دیگر غلط‌های متن و مقدمه و تعلیقات در این مقاله اصلاح شد.

پی‌نوشت‌ها

۱.

گاوای دو و گوساله و گاوروانی می حکم کنند اینت نکو ایمانی
تا چند طلب کنی ازو برهانی از گاو مگر که بس بود غبنانی
(عطار، ۱۳۸۷: ۵۶۰، تعلیقات).

۲۰ کهن‌نامه ادب پارسی، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۲. یادآوری دوست فرهیخته‌ام دکتر حمیدرضا سلمانی.

۳. به نظر می‌رسد که ملکت درست است نه مملکت (سنائی، ۱۳۵۹: ۵۱۰).

کتاب‌نامه

- ایرانشان بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷)، کوش‌نامه، به کوشش جلال متینی، تهران: نشر علمی؛ سپهر، محمدتقی (۱۳۵۱)، براهین‌العجم، با حواشی و تعلیقات جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران؛ سنائی، مجدود بن آدم (۱۸۸۷ م)، حدیقه سنائی، مع شرح لطائف الحدائق تصنیف عبداللطیف العباسی، به اهتمام و تصحیح ابوالحسن صاحب، قندهار افغانستان؛ سنائی، مجدود بن آدم (۱۳۵۹)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به تصحیح مدرّس رضوی، تهران: دانشگاه تهران؛ سنائی، مجدود بن آدم (۱۳۶۲)، دیوان سنائی، به تصحیح مدرّس رضوی، تهران: انتشارات سنائی؛ سنائی، مجدود بن آدم (۱۳۸۲)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به تصحیح مریم حسینی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛ سنائی، مجدود بن آدم (۱۳۹۷)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی زرقانی، تهران: انتشارات سخن؛ عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۷)، الهی‌نامه، به تصحیح و مقدمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن؛ عیدگاه طریقه‌ای، وحید (۱۳۹۵)، «درنگی بر مباحث فنی شاهنامه در دومین تصحیح دکتر خالقی مطلق»، گزارش میراث، دوره سوم، سال اول، شماره سوم و چهارم، زمستان، صص ۷۵-۸۸؛ عیدگاه طریقه‌ای، وحید (۱۳۹۷)، «تلفظ چند واژه در شاهنامه»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۸، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۰۹-۱۲۷؛ فردوسی، (۱۳۸۶) شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، (جلد ششم با همکاری محمود امیدسالار، جلد هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی)، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی؛ قزوینی، محمد (۱۳۸۸)، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی. مجیر بیلقانی (۱۳۵۸)، دیوان مجیر بیلقانی، تصحیح و تعلیق دکتر محمد آبادی، تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران؛ ناصر خسرو (۱۳۵۳)، دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران؛